

اصفهان پشت میکروفون

مجموعه ترانه‌ی خانه ترانه اصفهان

گردآوری و تنظیم:

روزبه آزادی - حامد مفتخر حسینی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۵۲

فهرست اشعار

مقدمه‌ی گردآورندگان ۱۳

علی ادریس زاده

آینده ۱۷

مریم آرام

دل‌تنگ ۲۱

خاطرات آینده ۲۳

روزبه آزادی

آبی ۲۷

عکس ۳۰

خوره ۳۲

ط ۳۵

ستارگی ۳۷

۴۱	بی نشون
۴۳	تنها
۴۵	گفتی، نشدی
۴۷	کودکان خیابانی
۴۹	لیلی و مجنون
۵۱	با من قدم بزن
۵۳	ساعت آفتابی
۵۵	تصنیف یاد
۵۷	شاید فقط یه نفس

امیر افشاری راد

۶۱	مرگ و زندگی
۶۳	زنگ بزن

مسعود آقایی

۶۷	دوئل
۶۹	فاصله
۷۱	هنوز هستی

مریم اهتمام

۷۵	آینه
۷۷	گلوله و عصا
۸۱	مانکن
۸۳	حقیقت

مهدی ایوبی

۸۷	خرمشهر
۸۹	دیوونه
۹۲	بیست - چهارده
۹۵	چهل ستون
۹۸	خونه
۱۰۰	نفت و مسی

محمد رسول باباصفری

۱۰۵	سرما
۱۰۷	فال
۱۰۹	ما
۱۱۱	جوونی

نفیسه باقری

۱۱۵	من نیستم
-----	----------

منیر پیرنجم الدین

۱۱۹	بارون
-----	-------

پریا تفنگساز

۱۲۳	بابای بی دختر
۱۲۵	نمی بخشمت

رضا رحمانی	
زمستون همیشه بهار	۱۷۳
غار پُر از قنديل	۱۷۵
باشگاه مُشت زنی	۱۷۷
خوشبختی	۱۷۹

مریم رفیعیان	
دیوونگی	۱۸۳

محمدعلی سجودی	
جنگل	۱۸۷
آخرین پل	۱۸۹

هدی شاهپوری	
می‌ری، می‌رم	۱۹۳
وقتشه	۱۹۵
تقاص	۱۹۷
زندگی	۱۹۹
فردا	۲۰۱

مسیح صالحی	
رویای خیس	۲۰۵
مادر بزرگ	۲۰۷
بازی	۲۰۹

رها کن دستمو	۱۲۷
رویا	۱۲۹
بدهکار	۱۳۱

حامد مفتخر حسینی

انگشت‌ها	۱۳۵
فروپاشی	۱۳۷
از دست دادن	۱۴۰
قاب عکس	۱۴۲
زاینده‌رود رودخانه‌ی فصلی نیست	۱۴۴
تکه‌پاره‌های شهر	۱۴۶

محمد خاکی زمانی

دَر همیشه بسته	۱۵۱
جبرِ جغرافیا	۱۵۴
رد پا	۱۵۶
مومیایی	۱۵۸
نیمه‌افراشته	۱۶۰

زهرا خانی

شهر من	۱۶۵
--------	-----

بهاره رادهوش

آینه	۱۶۹
------	-----

۲۴۷ بانوی من

۲۴۹ جبر

مژگان مزارعی

۲۵۵ بهمن

آناهیتا مستاجران

۲۵۹ دختر کبریت فروش

لیلا معصومی

۲۶۳ شقایق

۲۶۶ بگو

۲۶۸ تو رو می نویسم

دانیال نصر

۲۷۳ اما تو رو دیگه...

۲۷۵ تلخ

۲۷۸ هر چند زور کی، لبخند می زنم

۲۸۰ عذاب آور

احسان نوری

۲۸۵ بارون

۲۸۷ کودکی

۲۸۹ تردید

۲۱۱ "آزای..."

زهرا طاهریان

۲۱۵ به چیزی بگو!

۲۱۷ عزیزم

زینب طاهریان

۲۲۱ مادر کاغذی

سروش عبداللہی

۲۲۵ حواشناسی

عرفان عدیلی

۲۲۹ تقاطع

۲۳۱ اعزام

۲۳۳ ژوراسیک

۲۳۵ پس لرزه

۲۳۷ جوگندی

یاسر قاسمی

۲۴۱ مادر

داوود مردانی

۲۴۵ جمعہی من

کارون بی لب ۲۹۳

فرض کن ۲۹۶

تابوتای چشم به راه ۲۹۸

دو راهی دموکراسی و دین ۳۰۱

مقدمه‌ی گردآوردندگان

نوشتن از ترانه به یقین سخت‌تر از نوشتن خودِ ترانه است، و نوشتن از خانه ترانه‌ی اصفهان، از هر دوی این‌ها سخت‌تر. مجموعه‌ای که طی فعالیت یازده ساله‌ی ما (تا به این‌جا) پستی و بلندی‌های بسیار برابر خود دیده است. مجموعه‌ای شامل ترانه‌سراهای با پشتکار و کوشایی که طی این یازده سال بعضی مداوم و برخی در بُرهه‌های مختلف در این مجموعه و جلسات حضور داشته‌اند و آثاری خلق کرده‌اند شاید با نگاهی جدی به مقوله‌ی "زیر مجموعه‌ی ادبیات بودن ترانه" و کمتر چشم به بازار ناکوک و آشفته‌ی این سال‌های موسیقی پاپِ فارسی داشته‌اند تا استقلال قلم خود را حفظ کنند. در مجموعه‌ی پیش‌رو تلاش شده از تمامی کسانی که از دوم آذرماه سال ۱۳۸۳ (تاریخ تأسیس خانه ترانه‌ی اصفهان) تاکنون در جلسات شرکت کرده‌اند آثاری به مثابه‌ی مشت نمونه‌ی خروار گرد هم آید و صد البته که این کتاب مانند هر کتاب دیگر، بری از نقصان و خطا و اشتباه نیست و ما لطف کسانی را که با دقت و دلسوزی‌شان این نکات را به ما گوشزد خواهند کرد، پیشاپیش ارج نهاده و تمام‌قد به احترام‌شان می‌ایستیم.

لازم به ذکر است این مجموعه بدون الطافِ خاصه‌ی "علیرضا رییس‌دانا" مدیر انتشارات نگاه و همچنین بدون کمک‌ها و راهنمایی‌های "افشین یداللهی" امکان وجود نداشت. امید است که این مجموعه سنگ بنایی باشد برای بیشتر شنیده شدن ترانه‌هایی که به دلیل بُعد مسافت مؤلفان‌شان از پایتخت بخت کمی برای اجرا شدن دارند.

حامد مفتخر حسینی، روزبه آزادی

۱۳۹۴/۱۱/۲

علی ادریس‌زاده

علی ادریس‌زاده متولد ۱۳۶۲ در تهران در حال حاضر در اصفهان اقامت دارد. وی در سال ۱۳۹۱ با خانه ترانه اصفهان آشنا شد. در رشته‌ی مهندسی منابع طبیعی تا مقطع کارشناسی ارشد به تحصیل پرداخته و با آهنگسازی چون مجتبی شاداب‌فرد، امیر هوشنگ شاهرخی، مهدی مرادی، مهرداد ضمیری، پویان میرزاییگی و پیام حسنی‌نیا همکاری‌هایی داشته است. وی برگزیده‌ی کنگره‌ی شعر "پیشواز" است و در سابقه‌ی فعالیت‌های ادبی وی داوری کنگره‌ی شعر "سنگ‌سازان بی‌سنگر" دیده می‌شود. در حال حاضر از وی مجموعه‌ی ترانه‌ای با عنوان "عشق‌بازی به سبک ماهی‌ها" در دست چاپ است. او دبیر انجمن ادبی "آسمان خیال" اصفهان و عضو هیات مدیره‌ی انجمن ادبی "آوای ارغنون" محلات است.

آینده

وقتی دلت می‌گیره از دنیا
وقتی که از این زندگی سیری
هی زیر لب می‌گی: «تمومش کن»
هی واسه مُردن رُست می‌گیری

حرفاتو تنها تخت می‌فهمه
اشکاتو تنها تخت می‌بینه

وقتی با تنهایی سرت گرمه
تنها کنارت تخت می‌شینه

کوهم که باشی منفجر می‌شی
آتشفشانی می‌شه دنیات و
تو قلبت آروم ذوب می‌شی، بعد -
- می‌سوزونی رویای فرداتو

هر بار خواستی مردتر باشی
دنیا با نامردیش واسهت سد شد
هر چی که فکر خوب می‌کردی
در بهترین حالت چقد بد شد!

دنیات پر بود از امید اما
هیشکی نفهمید آرزوهاتو
باز این زمونه ناامیدت کرد
دیدیدی چه جوری ریخت موهاتو؟

پاشو! نه! این جا آخر خط نیست
راهی نمونه دیگه تا خورشید
یک بار دیگه سعی کن شاید
چشمات آینده رو روشن دید